

# کتاب دانیال - شماره یکصد و شش

پرده برداری از داوری: از یازده سپتامبر تا قانون یکشنبه - یک تحلیل پیامبرانه

Jeff Pippenger

2024-02-29

داوری تفتیشی زندگان در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد و داوری تنفیذی در هنگام قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد آغاز می‌شود. آن دو دوره داوری نمایانگر خدمت آن پیام‌آور هستند که راه را برای سومین فرستاده عهد و ایلای سوم هموار می‌سازد؛ و این ایلای سوم پایان پیام‌آوری الیایی است که در تاریخ جنبش میلری آغاز شد.

مسیح، در مقام تحقق «فرستاده عهد»، دو بار هیکل زمینی واقعی را پاکسازی کرد؛ هیکلی که نمونه‌ای از بدن او و هیکل روحانی او بود. هیکل زمینی واقعی او از خیمه اجتماع بیابان آغاز شد، سپس هیکل سلیمان، بعد هیکلی که پس از هفتاد سال اسارت در بابل بازسازی شد، و همان هیکل که به دست هیروودیس طی چهل‌وشش سال نوسازی شد.

حضور جسمانی خدا خیمه اجتماع و هیکل سلیمان را متبرک ساخت، اما هیکلی را که پس از اسارت بازسازی شد، نه؛ با این همه، همان هیکل نوسازی شده به حضور جسمانی مسیح متبرک گردید. در تاریخ هیکل بازسازی شده هیروودس، مسیح برای تحقق باب سوم کتاب ملاکی دو بار هیکل را تطهیر کرد. در تطهیر نخست، مسیح هیکل را «خانه پدرش» خواند، اما در آخرین تطهیر هیکل، آن را «خانه یهودیان» نامید.

در تاریخ میلری‌ها، مسیح در مدت چهل‌وشش سال، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، هیکلی روحانی بنا کرد. در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، در تحقق باب سوم کتاب ملاکی، او ناگهان به هیکل خود آمد و بدین‌سان دوشیزگان نادان را پاک‌سازی کرد. سپس به‌عنوان فرشته سوم آمد تا دومین و نهایی پاک‌سازی را به انجام رساند، اما همان‌گونه که در آغاز اسرائیل باستان، اسرائیل معاصر ایمان لازم برای به پایان رساندن کار را نداشت.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مسیح بازگشت تا تطهیر دوم هیکل را به انجام برساند؛ تطهیری که زمانی تحقق می‌یابد که باکره‌های نادان در هنگام قانون یکشنبه در شرف وقوع پاک‌سازی شوند، هنگامی که به واقعیت این امر بیدار می‌شوند که افزایش معرفتی را که در سال ۱۹۸۹ مهر آن گشوده شد، درک نمی‌کنند. آن افزایش معرفت نمایانگر پیام باران آخر است، که وقتی در چارچوب مثل ده باکره قرار داده شود، همان پیام فریاد نیمه‌شب است. پیام شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال که در وقت آخر در سال ۱۹۸۹ مهر آن گشوده شد، در آیه چهل‌وچهار از آن‌ها به‌صورت «اخباری از مشرق و از شمال» نمایانده شده است.

پیام باران آخر، همان پیام فریاد نیمه‌شب است و نیز پیام شرق و شمال. شرق و شمال به‌ترتیب نمایانگر اسلام و پاپیت‌اند، و به‌عنوان یک پیام، نمایانگر همان پیامی هستند که در فاصله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون قریب‌الوقوع یکشنبه، توسط ادونتیسیم لاودکیه‌ای جعل می‌شود. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمایانگر اسلام (شرق) است و قانون یکشنبه نمایانگر نشان وحش (شمال) است.

بستر احتضار ادونتیسیم لاودیکیایی میان آن دو نشانه راه نمایانده شده است، چنان‌که به‌صورت نمونه در مرگ نبی نافرمان میان الاغ و شیر نشان داده شده است. بستر احتضار کسانی که نشان وحش را می‌پذیرند با «اخباری از مشرق و شمال» نمایانده می‌شود که قدرت پاپی را به خشم می‌آورد و آزار و جفای نهایی قوم خدا را آغاز می‌کند. آن پیام از قانون قریب‌الوقوع یکشنبه در ایالات متحده آغاز

می‌شود؛ همان‌جا و همان‌زمان که اسلام وای سوم ناگهان ضربه می‌زند. آن حمله غیرمنتظره ویرانی ملی به بار می‌آورد و ملت‌ها را خشمگین می‌سازد و بدین‌سان محرک اقتصادی و سیاسی لازم را فراهم می‌کند تا همه ملت‌ها تحت لوای اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب علیه اسلام گرد هم آیند.

در تاریخی که توسط سومین ایلیا نمایندگی می‌شود، پیامی که وای سوم را مشخص می‌کند، اژدها، وحش و نبی کاذب را آگاه می‌سازد که اسلام ابزار داوری است که خدا برای کیفر دادن مردمان به سبب پرستش، نشان اقتدار پاپی به کار می‌گیرد. همان‌گونه که در مورد سه روم، سه بابل، سه ایلیا و سه پیام‌رسانی که راه را آماده می‌کنند، وای سوم از طریق کاربرد سه‌گانه سه وای تثبیت می‌شود.

و فرشته‌ای را دیدم و شنیدم که در میانه آسمان پرواز می‌کرد و با آواز بلند می‌گفت: وای، وای، وای بر ساکنان زمین، به سبب بانگ‌های دیگر شیپورهای آن سه فرشته که هنوز باید بنوازند!  
مکاشفه ۸:۱۳.

خواهر وایت کتاب «دانیال و مکاشفه» اثر اسمیت را قاطعانه تأیید کرد، به‌گونه‌ای که نشان می‌دهد هر ادونتیست روز هفتم باید این کتاب را داشته باشد؛ هرچند او آن را با صراحتی که من اکنون نوشتم بیان نکرد، اما این واقعیت در تأیید او نهفته است.

خداوند کارگرانی را فرا می‌خواند تا وارد عرصه پخش کتاب شوند تا کتاب‌هایی که نور حقیقت حاضر را در خود دارند منتشر شوند. مردم جهان باید بدانند که نشانه‌های زمانه در حال تحقق یافتن‌اند. کتاب‌هایی را که آنان را روشن‌گرند به دستشان برسانید. «دانیال و مکاشفه»، «مناقشه عظیم»، «پدران و انبیا» و «اشتیاق اعصار» اکنون باید به جهان عرضه شوند. تعالیم والایی که در «دانیال و مکاشفه» نهفته است، به اشتیاق بسیار از سوی بسیاری در استرالیا مطالعه شده است. این کتاب وسیله‌ای بوده است برای رساندن نفوس گران‌بها به شناخت حقیقت. هر کاری که ممکن است باید انجام شود تا «اندیشه‌ها درباره دانیال و مکاشفه» منتشر گردد. من هیچ کتاب دیگری را نمی‌شناسم که بتواند جای این کتاب را بگیرد. این دست‌یاری بخش خداست.

"کسانی که مدت‌ها در حقیقت بوده‌اند، به خواب رفته‌اند. آنان نیاز دارند که به وسیله روح‌القدس تقدیس شوند. پیام فرشته سوم باید با صدای بلند اعلام شود. مسائل عظیمی پیش روی ماست. ما وقتی برای از دست دادن نداریم. خدا نکند که اجازه دهیم امور جزئی نوری را که باید به جهان داده شود، تحت الشعاع قرار دهند." Manuscript Releases، جلد ۲۱، ۴۴۴.

آن کتاب، که کسانی که دیدگاه میلی‌ها درباره «دائمی» در کتاب دانیال را رد کرده بودند، آن را نیز رد کردند، به‌عنوان «دست‌یاری‌رسان خدا» شناخته شد. اگر مسئولیت انتشار کتاب‌های ذکرشده در نقل‌قول پیشین به قوم خدا سپرده شده باشد، این به این معناست که قوم خدا باید خود مالک آن کتاب باشد. آن کتاب محور حمله کسانی بود که دیدگاه «جدید» درباره «دائمی» در کتاب دانیال را ترویج می‌کردند، زیرا همان کتابی بود که می‌خواستند بازنویسی کنند و دیدگاه درست «دائمی» را از آن حذف کنند.

وقتی خواهر وایت به دو رهبر اصلی در شورش «daily» «daily» در کتاب دانیال اشاره می‌کرد، اغلب خاطرنشان می‌ساخت که آنان (پرسکات و دنیلز) توانایی «استدلال از علت به معلول» را نداشتند. به نظر می‌رسد تجدیدنظرطلبان تاریخی ادونتیست‌های لاودیکه‌ای نیز همین مشکل را دارند.

رهبران برجسته‌ای که در سراسر تاریخ شورش از سال ۱۸۸۸ به بعد، در مقطعی از تجربه شخصی خود، تعلیم نادرست «daily» «daily» را پذیرفته بودند. شورش آنان «اثر» بود و برداشت نادرست از «daily» «daily» «علت». تجدیدنظرطلبان ادونتیست لاودیکه‌ای چنان القا می‌کنند که بی‌خبران باور

کنند که همان شورشیان تاریخ ادونتیست، در واقع در شورش نبودند، هرچند شهادت بازنگری شده آنان هرگز به وسیله شهادت کتاب مقدس و روح نبوت تأیید نمی‌شود. چون آنان «اثر» را شورش به شمار نمی‌آورند، امکان جست‌وجو برای «علت» را می‌بندند.

چنان‌که پرنده سرگردان است و پرستو در پرواز، نفرین بی‌سبب نیز نخواهد آمد. امثال ۶:۲۲.

قوم خدا باید سرکشی را بشناسند و هرگاه چنین کردند، در پی علت آن برآیند. سپس باید آن علت را برطرف سازند. در قطعه زیر، خواهر وایت درباره داستان عاخن توضیح می‌دهد.

به من نشان داده شده که خدا در اینجا می‌نمایاند چگونه با گناه در میان کسانی که ادعا می‌کنند قوم نگاه‌دارنده احکام اویند، برخورد می‌کند. کسانی که او به طور ویژه با توفیق دیدن جلوه‌های شگفت‌آور قدرت‌ش سرافرازشان کرده است—چنان‌که اسرائیل باستان—و با این همه جسارت می‌کنند دستورات صریح او را نادیده بگیرند، آماج خشم او خواهند شد. او می‌خواهد به قوم خود بیاموزد که نافرمانی و گناه سخت برای او ناخوشایند است و نباید سبک انگاشته شود. او به ما نشان می‌دهد که هرگاه قومش در گناه یافت شوند، باید بی‌درنگ تدابیر قاطعی به کار بندند تا آن گناه را از خود دور سازند، تا ناخشنودی او بر همه ایشان قرار نگیرد. اما اگر گناهان قوم از سوی صاحبان مسئولیت نادیده گرفته شود، ناخشنودی او بر آنان خواهد بود و قوم خدا، به طور جمعی، مسئول آن گناهان شناخته خواهند شد. خداوند در رفتار خود با قومش در گذشته، ضرورت پاک‌سازی کلیسا از ناراستی‌ها را نشان می‌دهد. یک گناهکار ممکن است چنان تاریکی‌ای بگستراند که نور خدا را از تمامی جماعت دریغ دارد. هنگامی که قوم درمی‌یابند که تاریکی بر آنان سایه می‌افکند و علت را نمی‌دانند، باید با جدیت خدا را بجویند، در کمال فروتنی و خاکساری، تا آن ناراستی‌هایی که روح او را محزون می‌سازد پیدا و برطرف شوند.

پیشداوری‌ای که علیه ما پدید آمده، به این خاطر که ما خطاهایی را که خدا به من نشان داده است وجود دارند توبیخ کرده‌ایم، و هیاهویی که درباره خشونت و سخت‌گیری به پا شده، ناعادلانه‌اند. خدا به ما فرمان می‌دهد سخن بگوییم، و ما خاموش نخواهیم ماند. اگر خطاها در میان قوم او آشکار باشند و خادمان خدا نسبت به آنها بی‌اعتنا از کنارشان بگذرند، آنان عملاً گناهکار را حمایت و توجیه می‌کنند و به یکسان گناهکارند و به همان یقین مورد ناخشنودی خدا قرار خواهند گرفت؛ زیرا مسئول گناهان گناهکاران شناخته خواهند شد. در رؤیا موارد بسیاری به من نشان داده شده که در آنها به سبب کوتاهی خادمان او در رسیدگی به خطاها و گناهایی که در میانشان وجود داشت، ناخشنودی خدا دامنگیرشان شده است. کسانی که این خطاها را عذر آورده‌اند، از سوی مردم بسیار خوش‌خو و دوست‌داشتنی در طبع پنداشته شده‌اند، فقط بدان سبب که از انجام دادن وظیفه‌ای روشن کتاب مقدسی شانه خالی کرده‌اند. آن کار با احساساتشان سازگار نبود؛ از این رو از آن پرهیز کردند. گواهی‌ها، جلد ۳، صفحه ۲۶۵.

تاریخچه‌های رهبرانی که در ادونتیسم سر به شورش برداشته‌اند گواه آن است که یکی از مراحل که تقریباً همواره در شورش آنان دیده می‌شود این است که آنان در مقطعی از تجربه شخصی خود دیدگاه نادرست «دائمی» را پذیرفته‌اند. با این حال، کتاب اسمیت، هرچند الهام‌شده نیست و برخی مشکلات عقیدتی دارد، همچنان نمای کلی بسیار خوبی از برداشت پیشگامان از باب‌های هشت و نه مکاشفه ارائه می‌دهد، جایی که تاریخ نبوی شش شیپور نخست تبیین شده است. ما، هنگامی که بررسی کاربرد سه‌گانه سه «وای» را آغاز می‌کنیم، به تفسیر اسمیت در کتابش، «دانیال و مکاشفه»، ارجاع خواهیم داد.

خواهر وایت به ما می‌گوید که به ویلیام میلر در مورد کتاب مکاشفه نور عظیمی داده شده بود، اما درک او از فصل سیزدهم و فصل‌های شانزدهم تا هجدهم نادرست بود؛ زیرا در جایگاه تاریخی نادرستی قرار داشت و نمی‌توانست ببیند که سه قدرت ویرانگر وجود دارد، نه دو. نور عظیم او بر

فصل‌های دوم تا نهم مکاشفه بود.

واعظان و مردم به کتاب مکاشفه همچون امری اسرارآمیز نگریسته‌اند و آن را کم‌اهمیت‌تر از دیگر بخش‌های کتاب مقدس دانسته‌اند. اما من دیدم که این کتاب به‌راستی مکاشفه‌ای است که برای منفعت ویژه کسانی که در روزهای آخر خواهند زیست عطا شده است تا آنان را در تشخیص جایگاه حقیقی‌شان و وظیفه‌شان راهنمایی کند. خدا اندیشه ویلیام میلر را به سوی نبوت‌ها معطوف کرد و درباره کتاب مکاشفه نوری عظیم به او بخشید. نوشته‌های اولیه، ۲۳۱.

میلر برداشت خود را از کلیساها، مهرها، شیپورها و پیاله‌ها به شرح زیر بیان کرد.

هفت کلیسای آسیا تاریخ کلیسای مسیح در هفت صورت اوست، در همه پیچ‌وخم‌ها و چرخش‌هایش، در همه نیک‌روزی‌ها و تنگ‌روزی‌هایش، از روزگار رسولان تا پایان جهان. هفت مهر، تاریخی از اقدامات قدرت‌ها و پادشاهان زمین در قبال کلیسا، و حمایت خدا از قوم خود در همان زمان است. هفت شیپور، تاریخ هفت داوری ویژه و سنگینی است که بر زمین، یا پادشاهی روم، فرستاده شدند. و هفت پیاله، همان هفت بلای آخرند که بر رم پاپی فرستاده شدند. در میان این‌ها رویدادهای بسیار دیگری نیز آمیخته‌اند که مانند جویبارهای فرعی درهم بافته شده‌اند و رود بزرگ نبوت را پر می‌کنند، تا آن‌که همه این‌ها ما را در اقیانوس ابدیت به سرانجام می‌رسانند.

این، از نظر من، طرح نبوت یوحنا در کتاب مکاشفه است. و کسی که می‌خواهد این کتاب را بفهمد، باید از بخش‌های دیگر کلام خدا شناختی عمیق داشته باشد. نمادها و استعاره‌هایی که در این نبوت به کار رفته‌اند، همگی در خود آن توضیح داده نشده‌اند، بلکه باید در نزد پیامبران دیگر یافت شوند و در بخش‌های دیگر کتاب مقدس توضیح داده شوند. بنابراین آشکار است که خداوند چنین مقرر کرده است که برای به دست آوردن شناختی روشن از هر بخشی، مطالعه کل لازم است. ویلیام میلر، سخنرانی‌های میلر، جلد ۲، سخنرانی ۱۲، ۱۷۸.

چنان‌که پیام‌آور سوم، که راه را برای فرستاده عهد آماده می‌کند، نمایانگر تاریخ درونی داوری کلیساست، در تقابل با اپلیای سوم. که در داوری بابل معاصر نمایانگر تاریخی بیرونی است. فهم پیشگامان از کلیساها و مهرها همان شهادت درونی-بیرونی را شناسایی کرد.

مهرها در باب‌های چهارم، پنجم و ششم مکاشفه به ما معرفی می‌شوند. صحنه‌هایی که تحت این مهرها عرضه شده‌اند، در باب ششم مکاشفه و آیه نخست از باب هشتم به تصویر کشیده شده‌اند. این صحنه‌ها آشکارا رویدادهایی را در بر می‌گیرند که کلیسا از آغاز این دوره تا آمدن مسیح با آن‌ها پیوند دارد.

«در حالی که کلیساهای هفت‌گانه تاریخ درونی کلیسا را ارائه می‌کنند، مهرهای هفت‌گانه رویدادهای بزرگ تاریخ بیرونی آن را آشکار می‌سازند.» اوریا اسمیت، مؤسسه کتاب مقدس، ص ۲۵۳.

اوریا اسمیت برداشت میلریتی‌ها از رابطه درونی و بیرونی کلیساها را مشخص می‌کرد و جیمز وایت نیز نمای کلی مشابهی را در قالب تاریخ‌های موازی ارائه می‌دهد.

ما اکنون کلیساها، مهرها و حیوانات، یا موجودات زنده، را تا جایی که بتوان آن‌ها را از حیث پوشش همان دوره‌های زمانی با هم مقایسه کرد، پی گرفته‌ایم. شمار مهرها هفت است، اما حیوانات تنها چهار تا هستند. و بد نیست در اینجا توجه کنیم که هنگام گشوده شدن مهرهای اول، دوم، سوم و چهارم، حیوانات اول، دوم، سوم و چهارم شنیده می‌شوند که می‌گویند: «بیا و بین!» اما وقتی مهرهای پنجم، ششم و هفتم گشوده می‌شود، چنین ندایی شنیده نمی‌شود. همچنین سه کلیسای آخر و سه مهر آخر، برخلاف چهار کلیسای نخست و چهار مهر نخست، از حیث پوشش

همان دوره‌های زمانی با یکدیگر قابل مقایسه نیستند. اما، همان‌گونه که نشان داده‌ایم، کلیساهای، مهرها و حیوانات، در پوشش همان دوره‌های زمانی، به مدت نزدیک به ۱۸۰۰ سال با هم مطابقت دارند، تا آن‌که به اندکی بیش از نیم قرن زمان حاضر می‌رسیم. جیمز وایت، ریویو اند هرالدها، فوریه ۱۸۵۷.

به‌تازگی به سه تن از پیشگامان اصلی تاریخ پیروان میلر استناد کردیم. هر سه دیدگاه درست «دائمی» را پذیرفته بودند و همگی در چارچوب حقیقتی که میلر هدایت یافته بود تا آن را بفهمد و ارائه کند، به برداشت کلی از کلیساهای، مهرها و شیپورها پایبند بودند.

«هرگاه مردانی پیدا شوند که بخواهند حتی یک میخ یا ستونی را از بنیانی که خدا به وسیله روح‌القدس خود استوار کرده است جابه‌جا کنند، بگذارید مردان سالخورده‌ای که پیشگامان کار ما بودند صریح سخن بگویند، و بگذارید آنان که در گذشته‌اند نیز با بازچاپ مقالاتشان در نشریات ما سخن بگویند. پرتوهای نور الهی را که خدا هنگام هدایت قوم خود، گام‌به‌گام، در راه حقیقت عطا کرده است گرد آورید. این حقیقت محک زمان و آزمایش را تاب خواهد آورد.» انتشار دست‌نوشته، ۱۰، ۷۶۰.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرشته نیرومند باب هجدهم مکاشفه فرود آمد و کار هدایت آنانی را آغاز کرد که حاضر بودند نانی را که تازه از آسمان نازل شده بود بپذیرند و بخورند، تا به «راه‌های قدیمه»ی باب ششم ارمیا بازگردند. آلفا و امگا به کسانی نیاز داشت که مایل بودند بکوشند تا در شمار یکصد و چهل و چهار هزار باشند، تا دریابند که آنچه در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ او را از آسمان فرود آورد، صرفاً تحقق یک نبوت زمانی نبود، بلکه تحقق نبوت زمانی وای دوم بود. او نیاز داشت قومش راه‌های قدیمه آن تاریخ را از نو کشف کنند؛ همان‌جا که او در چهل‌وشش سال، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، هیکل میلریتی‌ها را برپا کرده بود.

آن تاریخ با خاکروبه و سکه‌ها و جواهرات جعلی پوشیده شده بود. آن تاریخ به واسطه پیام بنیادی دروغینی که بر شن بنا شده بود، نه بر صخره اعصار، مخدوش شده بود. این در تاریخ پیروان میلر بود؛ همان تاریخی که، به توصیف پطرس، پیروان میلر «که در گذشته قومی نبودند، اما» سپس «قوم خدا» شدند و به‌عنوان «خانه‌ای روحانی، کهناتی مقدس» برپا و بنا شدند. شیر قبیله یهودا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد و قوم روزهای آخر خود را به کار پاک‌سازی «معبد» تاریخ برپا شدن معبد میلری رهبری کرد. آن کار پیش‌تر در نبوتی به صورت نمونه‌وار تصویر شده بود؛ نبوتی که پیش‌گویی می‌کرد خداوند مردی به نام یوشیا را برخواهد انگیخت (که به معنای «بنیاد خدا» است).

هنگامی که یوشیا در تحقق نبوت نبی نافرمان برانگیخته شد، او کار مرمت هیکل به هم‌ریخته را آغاز کرد. در جریان مرمت و تطهیر، «لعنت موسی» یافت شد و چون آن را در حضور یوشیا خواندند، به اصلاحات یوشیا انجامید. ما به آن نبوت، در ارتباط با بازکشف «هفت زمان»، پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ خواهیم پرداخت.

ما آن مطالعه را در مقاله بعدی آغاز خواهیم کرد.

تا وقتی که کسانی که مدعی حقیقت‌اند به شیطان خدمت می‌کنند، سایه دوزخی او بر دیدشان نسبت به خدا و آسمان پرده می‌افکند. آنان مانند کسانی خواهند بود که محبت نخستین خود را از دست داده‌اند. نمی‌توانند حقایق ابدی را ببینند. آنچه خدا برای ما مهیا کرده است در زکریا، باب‌های ۳ و ۴، و باب ۴ آیات ۱۲ تا ۱۴، نمایانده شده است: «و من باز پاسخ دادم و به او گفتم: این دو شاخه زیتون چیست که از میان دو لوله طلایی روغن طلایی را از خود بیرون می‌ریزند؟ و او پاسخ داد و به من گفت: آیا نمی‌دانی این‌ها چیست؟ گفتم: نه، ای سرورم. آنگاه گفت: این‌ها دو مسح‌شده‌اند که نزد خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند.»

خداوند سرشار از منابع است. او هیچ کمبود امکاناتی ندارد. به سبب کم‌ایمانی ما، دنیا دوستی ما، حرف‌های پوچ و بی‌هوده‌مان، و بی‌ایمانی ما که در گفت‌وگوهای مان آشکار می‌شود، سایه‌های تیره گرد ما جمع می‌شوند. مسیح در کلام یا منش، به‌عنوان آن که تماماً دلپسند است و ممتازتر از ده‌هزار، آشکار نمی‌شود. هنگامی که جان راضی می‌شود خود را به بطالت بفرزند، روح خداوند نمی‌تواند کار چندانی برای آن انجام دهد. دید کوتاه‌بین ما سایه را می‌بیند، اما شکوه فراسوی آن را نمی‌تواند ببیند. فرشتگان چهار باد را نگه می‌دارند؛ چهار بادی که به صورت اسبی خشمگین تصویر شده است و می‌کوشد خود را رها کند و بر چهره سراسر زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ را به همراه می‌آورد.

آیا در خود آستانه جهان ابدی به خواب رویم؟ آیا بی‌حس و سرد و مرده باشیم؟ آه، کاش در کلیساهای مان روح و دم خدا در قوم او دمیده می‌شد تا بر پاهای خود بایستند و زنده شوند. باید دریابیم که راه تنگ است و در تنگ. اما چون از آن در تنگ می‌گذریم، پهناوری اش بی‌کران است. Manuscript Releases، جلد ۲۰، صفحات ۲۱۶، ۲۱۷.